

برگی از تاریخ
آشنایی با تشکلهای معلمان
کانون مستقل معلمان*
۱۳۶۰-۱۳۵۷

هاله صفرزاده

جنبش معلمان در ایران فراز و فرودهای بسیاری را از سر گذرانده است. در برهه‌های مختلف تاریخی، تشکلهای مستقل معلمان، بار مبارزات و تلاش‌های معلمان آگاه را برای تغییر شرایط بر دوش کشیده و دستاوردهای بسیاری نیز داشته‌اند. کانون مستقل معلمان یا بهتر بگوییم کانون‌های مستقل معلمان در سال‌های ۵۷ تا ۶۰ از جمله‌ها هستند که کمتر شناخته شده‌اند.

کانون‌های مستقل معلمان در جریان اعتراضات و اعتصابات گسترده‌ی معلمان و دانش‌آموزان علیه رژیم سلطنتی، از مهر ۵۷ به بعد، در شهرهای مختلف تأسیس شدند. خبر تعطیلی کلاس‌ها، عدم حضور و غیبت دانش‌آموزان و معلمان و یا خودداری معلمان از تدریس در نشریات روز منتشر می‌شد. ۱۶ مهر ۵۷ خبر تشکیل اولین جلسه‌ی کانون معلمان کرمانشاه منتشر شده است در این جلسه، معلمان اعلام کرده بودند که به دلیل کنترل شدید مأموران بر تالار آموزش و پرورش تا ۲۲ مهر از رفتن به کلاس‌ها خودداری خواهند کرد.

یکی از فعال‌ترین کانون‌های مستقل معلمان در آن دوره، کانون تهران بود. از تاریخ تشکیل کانون مستقل معلمان تهران، اطلاع دقیقی در دست نیست. در آن زمان آموزش و پرورش تهران شامل ۱۹ ناحیه بود و در هر ناحیه، کانون مستقل معلمان تشکیل شده بود. در روزنامه‌ی اطلاعات (۲ آبان ۵۷) خبری مبنی بر صدور اطلاعیه‌ای از سوی نمایندگان معلمان ناحیه‌ی ۷ تهران منتشر شده که در آن موجودیت کانون خود را اعلام داشتند. کانون معلمان ناحیه‌ی ۷ تهران با انتخاب ۱۵ نفر نماینده‌ی موقت، کار خود را آغاز کرد و از سایر همکاران آموزشی و اداری نواحی مختلف دعوت شده بود تا در صورت تشکیل کانون، موجودیت خود را به اطلاع این کانون برسانند تا بدین وسیله همبستگی و تشکل واقعی معلمان تحقق پذیرد. در ادامه‌ی این بیانیه، عنوان شده که معلمان خواهان برچیده شدن بساط اداره‌ی حفاظت آموزش و پرورش و آزادی کلیه‌ی زندانیان سیاسی، معلمان و دانش‌آموزان زندانی و محمد درخشش، رهبر جامعه‌ی معلمان* هستند و اعلام کردند که از دوم آبان دست به اعتصاب خواهند زد.

۲۱ دی ماه جمعی از نمایندگان کانون معلمان مستقل پایتخت به روزنامه‌ی اطلاعات رفتند و پیروزی اعتصاب مطبوعات را تبریک گفتند. نماینده‌ی معلمان در این جلسه با اشاره به چگونگی تشکیل کانون مستقل معلمان در تهران و دیگر شهرهای کشور، تأکید کرده بود که:

«بر خلاف آنچه می‌پندارند به کار بردن واژه‌ی مستقل جدا از مبارزات معلمان و دانش‌آموزان نیست و علی‌رغم تمام این تخطئه‌ها، اکنون کانون به هیچ حزب و جمعیتی بستگی ندارد ولی در کانون مستقل معلمان، علاوه بر هدف‌های صنفی-سیاسی، ماهیت علمی و اجتماعی نیز گنجانده شده است چرا که برای مقابله با آثار شوم و ضدخلقی رژیم در ۲۵ سال اخیر در آموزش و پرورش... بایستی اقدامات اساسی انجام داد و از سطح به عمق رفت... کلیه‌ی اماکن فرهنگی پایتخت از قبیل خانه‌های معلم، خانه‌ی فرهنگیان و کلیه‌ی مدارس بر روی معلمان بسته شده است و مأموران نظامی، درهای این اماکن را مَهر و موم کرده‌اند و در نتیجه معلمان برای برپایی یک اجتماع باید ۴۰ کیلومتر از شهر دور شوند و در بهشت‌زها گرد آیند.»

با ادامه‌ی اعتراضات متشکل معلمان بالاخره خانه‌ی معلم در ۴ بهمن ۵۷ بازگشایی شد. این اعتراضات چند ماهه همگام با اعتراضات عمومی مردم، دستاوردهای دیگری نیز داشت. حقوق معلمان همگام با سایر کارکنان دولت، در دو نوبت افزایش یافت و از حدود ۱۳۰۰ تومان به ۷۰۰۰ تومان رسید، محمد درخشش آزاد شد و...

پس از روی کار آمدن حکومت جدید، کانون‌های مستقل معلمان یکی پس از دیگری در شهرهای مختلف تأسیس شده و فعالیت‌های خود را ادامه دادند. اطلاعیه‌ی تأسیس برخی از این کانون‌ها در نشریات روز مانند اطلاعات، کیهان و آیندگان منتشر می‌شد. در این خبرها ضمن برشمردن اهداف به این مسأله هم اشاره شده که آن‌ها مستقل از هر گونه ایدئولوژی و بدون وابستگی به احزاب و گروه‌های سیاسی موجود هستند. در آن شرایط خاص سال‌های پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی و با توجه به نقشی که تشکل‌های معلمان در سازماندهی اعتصابات مدارس داشتند، این تشکل‌ها خود را صنفی-سیاسی تعریف می‌کردند. در ۸ اردیبهشت ۵۸ کانون مستقل معلمان آمل اعلام موجودیت کرد. در اطلاعیه این معلمان چنین آمده است:

«ما گروهی از معلمان متعهد با تشکل خود در یک کانون مستقل و دموکراتیک جهت غنا بخشیدن به فرهنگی پویا و مردمی، کوشش در جهت بسط و تحکیم آزادی‌های دموکراتیک و تحقق حقوق صنفی و سیاسی‌مان، موجودیت خود را اعلام کرده و از کلیه همکاران مسئول و متعهد، صرف‌نظر از هرگونه ایدئولوژی و مرام، درخواست همکاری و همگامی می‌نماییم.»

در ۲۴ اردیبهشت ۵۸ کانون آزاد معلمان سندج اعلام موجودیت کرد. کانون بدون وابستگی به ایدئولوژی خاص، اهداف خود را به شرح زیر اعلام و از همکاران به شرط پذیرش این اهداف دعوت به عضویت کرد:

۱- مبارزه با نیروهای امپریالیستی و ارتجاع داخلی و افشای توطئه‌های ضد مردمی

۲- کوشش در جهت رفع ستم ملی به منظور تحقق هدف حق تعیین سرنوشت خلق‌های ایران به ویژه خلق کرد در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک.

۳- تلاش در جهت پیشرفت امر آموزش و پرورش به منظور زدودن آثار فرهنگ فاسد استعماری و گسترش فرهنگ انقلابی.

۴- مبارزه با تسلط‌جویی فردی و رفع فشار و اختناق و تفتیش عقاید در محیط آموزشی و دفاع از حقوق صنفی و اداره‌ی واحدهای آموزشی توسط شورای معلمان و دانش‌آموزان.

۲۱ خرداد ۵۸ جامعه‌ی مستقل معلمان اهواز اعلام موجودیت کرد. بر مبنای بیانیه‌ی اعلام موجودیت، این کانون نهادی دموکراتیک معرفی شده که به هیچ گروه و مرامی وابستگی ندارد و در راه تحقق اهداف صنفی و سیاسی کوشش می‌نماید. کانون مستقل معلمان استان چهارمحال‌بختیاری نیز اساسنامه‌ی خود را که شامل یک مقدمه و ۲۸ ماده است، منتشر کرد. در ۲۸ خرداد ۵۸ کانون مستقل معلمان کرج طی اطلاعیه‌ی اعلام موجودیت کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«از آنجایی که نهادهای اقتصادی به‌طور کامل دگرگون نشده است و شرایط اجتماعی و آموزشی گذشته و به‌گواهی تجارب تاریخی یک‌صدساله اخیر جهان مخصوصاً ایران، بیم بازگشت مجدد امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن می‌رود و با توجه به رسالت تاریخی معلمان در محو کلیه آثار فرهنگ استعماری و ایجاد نظام مترقی آموزشی، تشکل هرچه بیشتر ما ضرورت پیدا کرده است. هدف از تشکیل این کانون، دفاع از کلیه حقوق صنفی معلمان، تحکیم و گسترش آزادی‌های به‌دست آمده،

کمک به رشد آگاهی انقلابی و شکوفایی استعدادهای ذاتی معلمان و دانش آموزان و مبارزه پیگیر با امپریالیسم و کلیه مظاهر استبداد، ارتجاع و استثمار است. لذا شکل سازمانی کانون به این صورت می‌باشد: صنفی- سیاسی، مستقل- دموکراتیک.

الف- صنفی است زیرا قشر معلمان را در برمی‌گیرد و از منافع صنفی معلمان دفاع می‌کند. ب- با توجه به این که خواسته‌های صنفی جدا از خواسته‌های سیاسی نیست و بدون وجود آزادی‌های سیاسی خواسته‌های صنفی به‌طور واقعی و معقول تحقق پیدا نمی‌کند، کانون سیاسی است زیرا همگام با هدف‌های انقلاب که محو کامل امپریالیسم و ارتجاع و استبداد است، حرکت می‌کند. ج- مستقل است زیرا به هیچ سازمان، گروه و ایدئولوژی خاصی وابستگی ندارد. د- دموکراتیک است زیرا این اصول را رعایت می‌کند:

- اصل آزادی عضویت و مشارکت معلمان شاغل و بازنشسته و کادر آموزشی و نیز کادر اداری آموزش و پرورش صرف نظر از هر نوع طرز تفکر و عقیده.

- اصل انتخابی بودن تمام ارگان‌های کانون مطابق اساسنامه.

- اصل برابری رأی و آزادی انتخاب شدن و انتخاب کردن برای تمام اعضا با توجه به شرایط مندرج در اساسنامه‌ی کانون حقوق اقلیت از طرف اکثریت

- اصل حمایت از کلیه جنبش‌های دموکراتیک و ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی

در آن سال‌ها "جامعه معلمان" نیز فعال بود در پاییز ۵۷ تجمع سه هزار نفره از معلمان را در تهران برگزار کرد. محمد درخشش به مدت دو هفته بازداشت بود. اما پس از روی کار آمدن دولت جدید و مطابق اخبار منتشر شده با تشکیل کانون مستقل معلمان موافق نبوده و در برخی موارد مقابله نیز می‌کرده‌است. در خبرهای نشریات می‌خوانیم که جمعی از معلمان اصفهان که عملکرد "جامعه معلمان" اصفهان را در راستای منافع معلمان نمی‌دیدند، بر آن می‌شوند که کانون مستقل فرهنگیان اصفهان و حومه را بنیاد نهند. در گردهمایی فرهنگیان اهداف کانون از طرف هیأت مؤسس اعلام می‌شود: همکاری با دیگر نیروهای مترقی ملی، دفاع از آزادی اندیشه و بیان و نشر در سطح جامعه، تأسیس کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی به‌صورت رایگان و... و نیز مسائل رفاهی فرهنگیان از قبیل مشکل مسکن، اداره شرکت تعاونی و... از جمله اهداف کانون اعلام می‌شود. به‌دنبال این گردهمایی، نامه‌ای به مدیر کل آموزش و پرورش اصفهان ارسال می‌شود. اما رئیس اداره‌ی آموزش و پرورش ناحیه‌ی ۴ اصفهان که در رأس "جامعه معلمان" بود؛ نامه‌ای علیه کانون مستقل معلمان اصفهان به کلیه مدارس می‌فرستد و خواهان خوانده شدن آن در برنامه‌ی صبحگاهی برای دانش‌آموزان می‌گردد.

کانون‌های مستقل معلمان به‌طور مرتب جلسات هفتگی را برگزار می‌کردند که خبر برخی از این جلسات در نشریات رسمی منتشر می‌شد. مثلاً گروهی از معلمان ناحیه‌ی ۱۱ آموزش و پرورش تهران وابسته به کانون مستقل معلمان تهران از همکاران خود دعوت کرده‌اند که برای بررسی مسائل کانون ساعت ۵ عصر ۱۴ خرداد در دبیرستان کمال موسوی (دقیقی طوسی) حضور یابند. در برخی از این جلسات به موضوعات روز جامعه پرداخته می‌شد. در روز ۱۲ اردیبهشت ۵۸ کانون مستقل معلمان تهران به مناسبت روز معلم اعلام کردند که باید در تدوین قانون اساسی مشارکت داشته باشند. وزیر آموزش و پرورش نیز در این مراسم شرکت داشت.

تا مرداد ۵۸ جلسات عمومی کانون مستقل معلمان تهران در باشگاه معلمان برگزار می‌شد. ۱۷ مرداد ماه کانون مستقل معلمان تهران از کلیه‌ی اعضای خود دعوت کرد که در انتخابات سالانه‌ی هیأت اجرایی کانون که در باشگاه معلمان تهران برگزار می‌شود،

شرکت کنند. انتخابات هیأت اجرایی جدید در مرداد ۵۸ انجام شد اما جلسه‌ی ۳۱ مرداد که قرار بود برای معرفی هیأت اجرایی جدید تشکیل شود به دلیل بسته شدن درهای باشگاه معلمان به روی کانون مستقل انجام نشد. در جلسه‌ی عمومی شهریور ۵۸ مشکلات به وجود آمده مطرح و گزارشی از پیگیری‌های مسئولان کانون برای استفاده‌ی مجدد از باشگاه معلمان داده شد. به‌رغم پیگیری‌ها و ملاقات با آقای رجایی، سرپرست جدید وزارت آموزش و پرورش، اعلام شد که چون کانون مستقل معلمان تشکیلاتی دولتی نیست، آموزش و پرورش نمی‌تواند به آن‌ها جا بدهد؛ این در حالی بود که انجمن اسلامی معلمان از امکانات آموزش و پرورش استفاده می‌کرد. نداشتن جا و عدم تشکیل جلسات عمومی سبب شده بود که برای برخی از معلمان این تصور پیش آید که کانون به‌صورت مخفی فعالیت می‌کند. در این جلسه‌ی عمومی مطرح شد که کانون نمی‌تواند مخفی باشد زیرا بنا به اساسنامه‌اش یک سازمان صنفی-سیاسی علنی است.

نحوه‌ی اداره‌ی کانون‌های مستقل معلمان

از نحوه‌ی اداره و سازمان این کانون‌ها اطلاعات دقیقی در دست نیست. ظاهراً کمیته‌های مختلفی مسئولیت انجام کارهای کانون را برعهده داشته‌اند. اطلاعات و اسنادی از کانون‌های مستقل معلمان شهرستان جز خبرهای اندک منتشر شده در مطبوعات آن روزها در دست نیست اما در مورد کانون مستقل معلمان تهران اطلاعات بیشتری وجود دارد. کانون مستقل معلمان تهران توسط یک هیأت اجرایی انتخابی اداره می‌شده است و کمیته‌های تدارکات- مالی که تنظیم امور مالی کانون، چاپ و پخش نشریه و دریافت حق عضویت را برعهده داشت، کمیته‌ی ارتباطات و وظیفه‌ی ارتباط با نواحی مختلف آموزش و پرورش و کمیته‌ی نشر که تهیه‌ی مقالات نشریه‌ی کانون، پیام‌ها، اعلامیه‌ها را برعهده داشت. کمیته‌ی نشر شامل ۶ کمیته‌ی فرعی به شرح زیر بود: کمیته‌ی بررسی مسائل صنفی معلمان / کمیته‌ی بررسی مسائل آموزش / کمیته‌ی بررسی مسائل دانش‌آموزی / کمیته‌ی تحقیق و ترجمه / کمیته‌ی فرهنگ و... و فرهنگ خلق / کمیته‌ی خبر و گزارش /

در گزارش هیأت اجرایی موقت این کانون که در آبان ۵۸ در گردهمایی کانون ارائه شد، آمده است: انتخابات کانون برای تعیین هیأت اجرایی در ۱۷ مرداد ۵۸ برگزار شده و ۱۳ نفر به عنوان هیأت اجرایی به مدت یک سال توسط مجمع عمومی انتخاب شده‌اند. اما به دلیل این که در ۳۱ مرداد از تشکیل جلسه‌ی عمومی کانون در باشگاه معلمان جلوگیری به عمل آمده، این هیأت اجرایی نتوانسته کار خود را آغاز کند زیرا مجمع عمومی این انتخابات را مورد تایید قرار نداده بود. برای ادامه‌ی کار کانون، جلسه‌ی مرکب از اعضای کمیته‌های نشر ارتباطات و تدارکات و مالی در تاریخ ۱۲ شهریور ۵۸ تشکیل و ۱۱ نفر به‌عنوان هیأت اجرایی موقت انتخاب شدند تا تشکیل مجمع عمومی، فعالیت‌های کانون را زنده نگه دارند. ظاهراً در این مدت برای فعالیت کانون مستقل معلمان تهران مشکلات بسیاری ایجاد شد. مدارک و اسناد مربوط به انتخابات شهریور ماه از بین رفت. در ادامه‌ی این گزارش، فعالیت‌های هیأت اجرایی موقت بر حسب کمیته‌های مختلف ارائه شده است:

کمیته‌ی نشر کانون به جز انتشار ۶ شماره نشریه‌ی معلم، جزوه‌ای تحت عنوان شوراهای مدارس نیز تهیه کرده و کمیته‌ی خبر و گزارش ۶ شماره خبرنامه منتشر کرده بود. کمیته‌ی بررسی مسائل صنفی نیز شش مسأله‌ی صنفی مسکن، شرکت‌های تعاونی، بیمه، مهدکودک، حقوق و مزایا، ارتقا، انتقال و سرویس رفت‌وآمد معلمان را مورد بررسی قرار داده و پرسشنامه‌ای در این زمینه تهیه کرده که در زمان ارائه‌ی گزارش در نواحی مختلف تهران در دست اجرا بوده است. کمیته‌ی تحقیق و ترجمه نیز در زمینه‌ی تهیه‌ی پرسشنامه و... با کمیته‌ی خبر و گزارش همکاری داشته است. کمیته‌ی مسائل آموزشی از معلمان علاقه‌مند به کار در این بخش دعوت کرده و مقالاتی در زمینه‌ی آموزش و پرورش انقلابی تهیه کرده بود. بررسی محتوای کتب درسی در دستور کار این

کمیته بوده است. کمیته‌ی دانش‌آموزی نیز پرسشنامه‌ای در زمینه‌ی شوراهای مدارس و مسائل آموزشی تهیه کرده و از دانش‌آموزان دعوت شده بود تا نقطه نظرات آنان را نیز داشته باشند و با کمک آن‌ها بتوانند یک نشریه‌ی دانش‌آموزی منتشر کنند. کمیته‌ی ارتباطات و وظیفه‌ی ارتباط با کانون‌های شهرستان‌ها و با کانون‌های نواحی مختلف تهران را برعهده داشته، برای هر ناحیه مسئولی انتخاب شده و نشریات و اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های کانون در این نواحی بین معلمان توزیع می‌شده است. شرکت در جلسات تشکل‌های دموکراتیک دیگر مانند کمیته‌ی همبستگی زنان، کانون زندانیان سیاسی و کانون فارغ‌التحصیلان، ملاقات با مسئولان آموزش و پرورش از دیگر فعالیت‌های این بخش بوده است. کمیته‌ی مالی نیز به وظایف خود در زمینه‌ی دریافت حق عضویت، رسیدگی به مسائل مالی کانون پرداخته است. کمیته‌ی خلق‌ها نیز به دلیل عدم استقبال معلمان فعال نشده بود.

به تدریج فشارها بر معلمان و تشکل‌های مستقل معلمان بیشتر می‌شد. موج پاک‌سازی در آموزش و پرورش به راه افتاده بود. خبرهای اعتراضات معلمان علیه این فشارها و محدودیت‌ها کم و بیش در نشریات عمومی و نشریه‌ی معلم منتشر می‌شد. ۲۲ نفر از معلمان میانه، نامه‌ای به چند مرجع قانونی و مطبوعات درمورد محدودیت‌ها و فشارهای وارد بر معلمان این شهر نوشته و خواسته‌های زیر را طرح کرده بودند:

۱- آزادی بی قید و شرط همکاران از زندان تبریز که بنا بر شکایت و اتهام واهی عده‌ای مغرض دستگیر و زندانی شده است.

۲- عدم دخالت کمیته و افراد غیر مسئول در امور آموزشی مدارس و آموزش و پرورش و دیگر امورات فرهنگی.

۳- تعقیب و دستگیری افراد مفتری و اخلاص‌گر که با اعمال ضد انسانی و ضد انقلاب واقعی خود موجب تفرقه و نفاق می‌گردند.

کانون معلمان مستقل تهران اطلاعیه‌های متفاوتی در زمینه‌ی دفاع از حقوق صنفی معلمان سایر شهرها منتشر می‌کرد. از جمله در اردیبهشت ۵۸ تعدادی از معلمان گچساران در اعتراض به عدم انتصاب یکی از همکاران و مداخله‌ی افراد غیرمسئول کمیته در امر مسأله‌ی آموزش، پس از تحصن و عدم رسیدگی، استعفای دسته‌جمعی می‌دهند. اداره‌ی آموزش و پرورش نیز این مسأله را بهانه‌ای قرار می‌دهد، حقوق آنان را قطع کرده و از ادامه‌ی کار آنان ممانعت می‌کند. پس از پیگیری‌های معلمان مستعفی، آموزش و پرورش گچساران اقدام به انتقال آنان به شهرستان‌های دیگر کرد. کانون مستقل معلمان تهران این مسأله را مورد توجه قرار داده و در ۹ خرداد ۵۸ در اطلاعیه‌ای تبعید این معلمان را محکوم کرده و خواهان بازگشت معلمان به شهر خود شده است.

یکی از مهم‌ترین خواسته‌های معلمان در این دوران انتخاب مدیران مدارس و ادارات آموزش و پرورش توسط معلمان بود. در اردیبهشت ۵۸ رئیس آموزش و پرورش شهسوار(هوشنگ نیازی) از طریق انتخابات معلمان تعیین شد. این تنها موردی است که در نشریات عمومی خبر عملی شدن این خواست منتشر شده است. ۲۰ خرداد ۵۸ کانون مستقل معلمان ناحیه‌ی ۱۵ تهران پیامی منتشر کردند که در آن به بی‌توجهی به معلمان اشاره شده بود:

«هنوز اجازه نداده‌اند حتی رؤسای یک مدرسه توسط شورای معلمان انتخاب شود و اکنون سکوت در برابر بی‌ارزش

شمردن یکی از ارکان اساسی آموزش و پرورش یعنی معلم، تأیید این اعمال نادرست است. باید همه‌ی ما به این اعمال

وزارت آموزش و پرورش اعتراض کنیم.»

در ۲۵ تیر ۵۸ کانون تهران نامه‌ای سرگشاده به مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر منتشر کرد و در آن نسبت به اخراج و انتقال اجباری معلمان اعتراض نمود. در این نامه ابتدا به نقش معلمان و دانش‌آموزان در سرنگونی رژیم سلطنت اشاره کرده و سپس چنین آمده است:

"امروز که نزدیک به پنج ماه از حکومت دولت موقت می‌گذرد، در این مدت مردم جز این که شاه خون آشام و شناخته شده را بالا سر خود نمی‌بینند عملاً تغییر محسوسی را در زندگی خود از نظر اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و آزادی‌های سیاسی احساس نمی‌کنند چرا که از یک طرف منحنی نمایش گرانی همچنان سیر صعودی طی می‌کند و از طرف دیگر ادارات که توسط همان مهره‌های فاسد گذشته اداره می‌شوند، قادر به حل کوچکترین مشکل مردم نیستند. در مسایل سیاسی با آنکه شعار آزادی همه سازمانها و احزاب داده می‌شود، عوامل اخلال گر و سرسپرده استعمار و ارتجاع آزادی مطبوعات مستقل را هم با اشکال روبرو کرده اند؟..."

سپس به نقد برنامه آموزش دولت پرداخته است:

"از طرفی هر چه جلوتر می‌رویم تناقض گویی و لفاظی تغییر کلمات و توجیه لغات، سرگردانی و بیکاری، تفرقه اندازی و سعی در جداسازی صفوف ملت، نگرانی مردم را از آینده افزایش داده است. در قسمت آموزشی دولت برنامه مشخص را ارائه نداده است. زیرا با آن که فصل ثبت نام شروع شده، دولت نه تنها وضع مدارس غیردولتی را مشخص نکرده و در حل مشکل آموزشی رهنمودی ارائه نداده بلکه سردرگمی خود را با تناقض گویی به جامعه انتقال داده به طوری که مسوولان مدارس و مردم را در بلا تکلیفی نگه داشته است. دیدیم و شنیدیم که یک روز وزیر آموزش و پرورش شعار آموزش رایگان را طرح کرد و خیلی سریع به وسیله رییس دولت با طرح تشویق سرمایه گذاری در بخش خصوصی به صورت مبهم رها شد. طولی نکشید که زمزمه آموزش یکسان به گوش رسید. بدون این که توضیح داده شود چطور ممکن است بتوان بدون آموزش رایگان به آموزش یکسان رسید. وضع کتاب‌های درسی و عدم اطلاع معلمین در تهیه و تدوین آنها سوال دیگری است که هیچ معلمی قادر به پاسخ به آن نیست زیرا نه تنها از معلمین آگاه در طرح و برنامه ریزی مسایل آموزشی استفاده نمی‌شود بلکه عملاً از شرکت آنها در پیشبرد اهداف انقلابی جلوگیری می‌شود.

جناب نخست وزیر شما را معلمی متعهد می‌شناسیم لذا می‌خواهیم صراحتاً نظر خود را نسبت به رویدادهای ضد خلقی که به وسیله افراد جاه طلب یا به وسیله اخلالگران حرفه ای صورت می‌گیرد از قبیل سانسور در رادیو تلویزیون و ژست‌های مستبدانه سرپرست آن، تصویب قانون اساسی بدون مجلس موسسان، تبعیض بین زنان و مردان که در مراسم تحلیف زنان کارآموز قضایی جلوه کرد، دستگیری عناصر انقلابی که به شهادت ملت ایران در جهت به ثمر رساندن انقلاب شکوهمند مردم، بزرگترین فداکارها نموده اند و سال‌ها سنگفرش خیابان‌ها را با خون پاک خود گلگون کردند، ... و تعقیب عده ای از نفتگران اهواز و آبادان و کارگران نورد، اخراج معلمین گچساران و عده ای از معلمین تهران، جلوگیری از اجتماع اعضای کانون مستقل معلمان نواحی تهران و شهرستان‌هایی چون آبادان، اصفهان و ... کتاب سوزان چنگیز وار در شهرستان‌ها را تایید می‌کنید؟ آیا شما دخالت اخلالگران در مطبوعات و حمله به دفاتر آنها حمله به اجتماعات دموکراتیک و مضر و پرک روزنامه فروش را که به زعم عده ای از مستکبرین بوده و از همه مهمتر بی‌خبر گذاشتن ملت ایران را از آنچه در پشت پرده اتفاق می‌افتاد، تایید می‌کنید؟

کانون‌های مستقل معلمان در زمینه‌های مختلف مسایل روز اعلام موضع می‌کردند. کانون مستقل معلمان تبریز از شهرداری شهر خواست که انقلابی عمل کند و عناصر ناپاک و تحمیلی را از شهرداری تصفیه کند. این کانون فوری ترین مسایل شهری تبریز را چنین برشمرد: ترافیک، تعمیرارگ تبریز، اجازه فعالیت دادن به کیوسک‌هایی که توسط افراد بیکار نصب شده است و وضع اتوبوس رانی و تعویض نام خیابان‌ها و میادین.

کانون مستقل معلمان تهران برای حمایت از کارآموزان قضایی متحصن در دادگستری پیامی منتشر کرد و در مقاله ی دیگری نیز به مسایل و تبعیضات علیه زنان بخصوص در آموزش و پرورش پرداخته است.

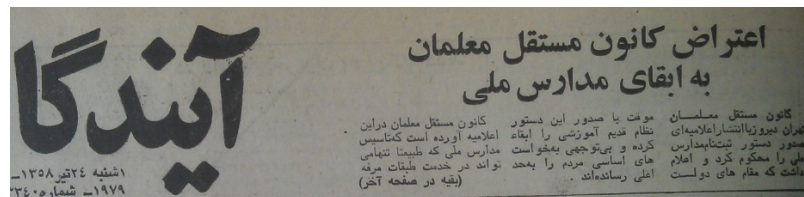
نشریات کانون مستقل معلمان



کانون‌های مستقل معلمان در شهرهای مختلف هر کدام نشریات خاص خود را داشتند از جمله: "پویا"، نشریه‌ی کانون مستقل فرهنگیان و دانش‌آموزان فراهان، "۲۹ بهمن"، نشریه‌ی کانون مستقل معلمان تبریز و "نشریه‌ی معلم" "نشریه‌ی فرهنگیان اصفهان" و... بود.

کانون مستقل معلمان تهران در هر ناحیه آموزش و پرورش تهران شعبه ای داشت. هر شعبه بولتن داخلی یا خبرنامه منتشر می‌کرد که در آن اخبار مربوط به مسایل معلمان، دانش آموزان و گزارش‌ها و مقالاتی منتشر می‌شد. نشریه کانون با نام "معلم" به صورت ماهنامه در تهران منتشر می‌شد. انتشار ماهنامه معلم از بهار ۵۸ آغاز شد. ابتدا قیمت آن ۱۵ ریال بود و سپس به ۲۵ ریال رسید. در شماره‌های مختلف این نشریه، مقالات و گزارش‌های متنوعی در زمینه‌های مختلفی مانند کتاب‌های درسی، مسائل روز، ضرورت ایجاد تشکل معلمان، مشکلات دانش‌آموزان، گزارش‌هایی از وضعیت مدارس، اخبار کانون‌های مستقل شهرستان‌ها و... منتشر می‌شد.

در گزارش هیات اجرایی موقت آماري نیز از مقالات شش شماره که تا تاریخ آبان ۵۸ منتشر شده بود به شرح زیر وجود دارد: " از ۶۱ مقاله مندرج، ۹ مقاله سیاسی (که در موضوعات ۲۸ مرداد، امپریالیسم، ۱۷ شهریور، کردستان، ۱۶ آذر، زنان، فلسطین، ۲۶ دی و ۲۲ بهمن و...)، ۵۲ مقاله صنفی غیررفاهی (تشکلهای معلمان، صنفی یا سیاسی بودن آنان، مدارس ملی، کتب درسی و تدوین آنها و...) و ۲۵ اعلامیه و پیام منتشر شده است. اخبار و گزارش‌های نشریه‌ها هم منحصرا در مورد مسایل صنفی مانند بانک فرهنگیان و... و بیشتر اخبار کانون‌های مستقل شهرستان‌ها و گزارش‌هایی از وضعیت مدارس بوده است.



مدارس ملی (خصوصی)

آموزش رایگان، برابر و اجباری و رفع تبعیض میان مدارس از جمله خواسته‌های کانون‌های صنفی معلمان در آن سال‌ها بود.

در زمان سلطنت محمد رضا شاه پهلوی، مدارس خصوصی تحت عنوان مدارس ملی مشغول به کار بودند. در سال ۵۶ از مجموع دانش‌آموزان متوسطه ۱۰۵ هزار و ۸۶۳ نفر (۵۷ درصد پسر، ۴۳ درصد دختر) در مدارس خصوصی درس می‌خواندند که ۱۷ درصد

کل دانش‌آموزان این مقطع بود. این مدارس ملی انواع مختلف داشتند و شهریه‌های متفاوتی می‌گرفتند. به گفته اولین وزیر آموزش و پرورش دولت بازرگان شهریه رسمی مدارس غیردولتی در سال ۵۶-۵۷ مبلغ ۴۶۰۰ تومان بوده است. (آیندگان ۲۰ تیر) تفاوت میان مدارس دولتی و خصوصی همانند امروز از زمین تا آسمان بوده است. مدارس دولتی از کمترین امکانات برخوردار بوده اند. به عنوان مثال در شماره ۲ نشریه، گزارشی در مورد وضعیت دبیرستان دولتی صدیق اعلم. منطقه ۱۲ واقع در میدان ملت (شاه سابق) خیابان ری پلاک ۶۰۵ منتشر شده است. این دبیرستان در سال ۱۳۱۰ شد و تاسیس دبیرستان دخترانه به سال ۱۳۴۹ برمی‌گردد. در شرح وضعیت این مدرسه به موارد زیر اشاره شده است: اجاره ای بودن محل (ماهانه ۲۵۰۰ تومان)، مساحت مدرسه ۲۵۰۰ متر که ۱۰۰۰ متر آن زیربناست (هر چند که از همه زیربنا استفاده نمی شود چون امکان ریزش آن وجود دارد)، تعداد معلمان ۲۲ نفر و تعداد دانش آموزان (۴۰ نفر در هر کلاس) با میز و نیمکت‌های فرسوده و شکسته، فضای نیمه تاریک کلاس‌ها، سقف‌های مخروبه که زمستان با چکه باران و برف روبروست، کلاس‌هایی که گردآگرد حیاط بزرگ قرار دارند و پلکانی که مدرسه را از مغازه‌ها جدا می‌کند، شهریه مدرسه که مبلغ آن سالانه برای هر دانش آموز ۱۶۳ تومان است. دانش آموزانی که تعهد خدمت بسپارند شهریه شان به ۱۳ تومان تقلیل می‌یابد، بدون وجود آزمایشگاه و وسایل ورزش و هنر و آموزش فوق برنامه...

به جز شرایط اسف بار مدرسه، آنچه در این گزارش جلب توجه می کند دریافت شهریه از دانش آموزان دبیرستانی دولتی است که در زمان شاه مرسوم و قانونی بوده است. در ۱۶ تیر ماه ۵۸ طی بخش‌نامه‌ای دستور مربوط به ثبت‌نام دانش‌آموزان مدارس صادر شد. بر اساس این بخش‌نامه تمام مدارس مختلف برچیده خواهد شد و دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی باید ۱۷۱۰ ریال شهریه بپردازند و چون میزان شهریه مدارس غیردولتی به‌طور قطعی روشن نشده است فعلاً با دریافت حداکثر ۱۰ هزار ریال نسبت به ثبت‌نام دانش‌آموزان در این گونه مدارس اقدام می‌شود.^۱ این خبر به معنی ابقای این مدارس بود. این مساله عکس العمل کانون های صنفی معلمان را برانگیخت و طی اطلاعیه‌ها و بیانیه‌ها و برگزاری سمینار مخالفت خود را با این مساله اعلام کردند.

به دنبال اعتراضات گسترده معلمان و انجمن‌های خانه و مدرسه، "دکتر شکوهی وزیر آموزش و پرورش در مورد مساله تبعیض بین مدارس گفت کوشش می‌کنیم روابط خود را با مدارس مشخص کنیم. وی گفت: طرحی برای مشخص کردن روابط خود با مدارس غیردولتی تهیه و به هیات دولت پیشنهاد کرده ایم که متأسفانه هنوز پاسخ آن را نگرفته ایم. طرح مربوط به روابط با مدارس غیردولتی ۴۰ روز است که در هیات دولت مانده است... وی در مورد خدمات جنبی این مدارس گفت کوشش ما این است که مدارس در قبال خدمتی که ارائه می‌دهند از شما پول بگیرند."

این گونه پاسخ‌ها برای مردم و معلمان قانع کننده نبود.

ابقای مدارس ملی (خصوصی) یکی از مواردی بود که کانون‌های مستقل معلمان را به واکنش علیه آموزش و پرورش خصوصی و پولی برانگیخت. در نامه ی کانون مستقل معلمان تهران به نخست وزیر در این باره چنین آمده است:

"... اختلاف در مدارس شمال و جنوب شهر و یا بهتر بگوییم محله‌هایی اعیان نشین در اصل چیزی به جز تظاهر گوناگون منافع طبقات نیست. مشاهدات روزمره زندگی به همگان آموخته است که آنچه مردم شمال شهر از آن برخوردار هستند جنوب شهری‌ها فاقد آن می‌باشند. تفاوت سطح زندگی در این دو منطقه را باید از دو زمینه اقتصادی متفاوت نتیجه بگیریم. فرزندان کارگران و زحمتکشان مسلماً از آن شرایط آموزشی برخوردار نیستند که فرزندان بخش‌های مرفه دارای آن می‌باشند. زیرا که ثروت‌های اجتماعی در یک قطب و در دست یک بخش متمرکز می‌شوند و کلیه مظاهر زندگی نیز قطب بندی شده دارای معیارهای طبقاتی می‌گردند. اینکه مدارس جنوب شهر از امکانات بسیار نازل و ابتدایی آموزشی

برخوردارند و فرزندان کارگران و سایر زحمتکشان به سختی می‌توانند ادامه تحصیل دهند را نباید در عدم دلسوزی و رسیدگی اولیای امور هیات حاکمه تلقی کرد. در اینجا همانطوری که در بالا بیان شد باز قانون حرکت سرمایه است که تعیین می‌کند طبقات تحت ستم چه چیز و چگونه بیاموزند.

...مزد کارگران علاوه بر سیر کردن شکم خانواده کارگر باید فرزندان کارگران را نیز از جهت فرهنگی آماده ورود به پروسه تولید کند. زیرا بر اثر رشد ابزار تولید و به کارگیری دانش در تولید، سرمایه داران به کارگران بی سواد احتیاج نداشته در ثانی کادرهای دفتری و خدمات نیز باید از این طبقه آماده ورود به بازار کار گردند. لذا فرزندان کارگران این آینده سازان ارزش اضافی برای سرمایه داران باید از قبل مزد پدر آموزش ببینند. اگر قرار باشد که فرزندان کارگران نیز به همان مدارس که سرمایه داران و دیگر بخش‌های مرفه در آن آموزش می‌بینند در نتیجه باید بخش عظیمی از مزد کارگران به این منظور اختصاص یابد که این عمل حیات روزمره کارگران را به خطر می‌اندازد و یا اگر مزد کارگران به میزانی باشد که بتوانند فرزندان خود را در بهترین مدارس به تحصیل گذارند باید از میزان سود سرمایه داران کاسته تا این عمل تحقق یابد که این عمل غیر ممکن و محال است. زیرا تولید بدون سود و یا کم سود در روابط تولیدی سرمایه داری اصولاً نمی‌تواند ادامه حیات دهد و همچنین تولیدکنندگان را از لحاظ مادی ارضا نماید. پس در واقع این تفاوت دو شکل آموزشی را باید در طبقاتی بودن آن یافت و نه در نیکوکارتر و یا خباث دولت‌های حاکم... مدارس به اصطلاح ملی و در واقع خصوصی ... فعالیت چنین مراکزی در اصل به جز قبول نظام طبقاتی گذشته مفهومی دیگر ندارد.

ولی برخلاف منطق ایستای دولتمردان و دست اندرکاران امور، ما از آنجایی که مبارزاتمان نه علیه شخص شاه بلکه علیه نظامی بود که شاه تبلور سیاسیش بود برای از بین بردن چنین اختلاف طبقاتی و محو آن نظامی که چنین نمودهایی در بر دارد هنوز به مبارزه خود ادامه می‌دهیم. مبارزه علیه نظام جابرانه سرمایه داری بی تردید از مبارزه علیه چنین تجلیاتی جدا نمی‌باشد. لذا از چنین موضعی است که ما به تجدید مدارس ملی شدیداً اعتراض داریم."

در شماره‌ی سوم نشریه‌ی معلم (تیر ۵۸) مقاله‌ای تحت عنوان نقش مدارس ملی در آموزش و پرورش منتشر شده بود. در این مقاله اطلاعات بیشتری در مورد این مدارس، نحوه اداره، شهریه، کیفیت آموزشی و مسایلی از این دست آمده است. بخش‌هایی از این مقاله در زیر آمده است:

"چندی پیش وزیر اعلام کرد که مدارس ملی وجود نخواهند داشت... ولی پس از فشار گروه‌هایی که هرگونه تغییر بنیادی در ساخت اقتصادی اجتماعی جامعه با منافع آنان در تضاد است، باعث شد که این طرح مردود اعلام شود آن هم به بهانه‌ی مشارکت بیشتر مردم در کارهای مربوط به خود... صاحبان مدارس ملی با دید سوداگرانه‌ی خود شایع می‌کنند اگر آموزش رایگان شود، کیفیت آموزشی مدارس پایین می‌آید... باید پرسید در جامعه‌ای که هنوز ۷۰ درصد مردم آن بی‌سواد اند و ۶۴ درصد کودکان ۶ تا ۹ ساله به مدرسه راهی ندارند، وجود مدارس مانند ایران زمین، ایران سوئیس، اونتیت، رازی، پارتیان و... چه خدمتی به آموزش و پرورش این مملکت می‌کنند."

در ادامه به اصل ۱۰ پیش‌نویس قانون اساسی اشاره می‌کند که شعار آموزش "یکسان" می‌دهد و آن را به نقد می‌کشد:

"واضعین طرح آموزش یکسان باید توضیح دهند چگونه بدون برخورداری یکسان تمام افراد از ثروت‌های جامعه، امکان استفاده‌ی یکسان از آموزش و پرورش وجود خواهد داشت. در این اصل هیچ‌گونه اشاره‌ای به طرح با سواد کردن توده‌ی مردم نمی‌شود. از آموزش رایگان و اجباری، حرفی به میان نمی‌آید. غیرانتفاعی بودن آموزش را مستقیماً اعلام نمی‌کند... صاحبان

مدارس ملی معمولاً بانکدار، افسر ارتش، بازاری و در برخی موارد معلم می‌باشند که به جز معلمان آن هم به طور محدود بقیه هیچ‌گونه تجربه و اطلاعاتی در زمینه‌ی آموزش ندارند... صاحبان این مدارس برای استفاده از امکانات آموزش و پرورش تعدادی از سهام خود را در اختیار مقامات بالای وزارتخانه به‌طور مجانی قرار می‌دادند... از عوامل مهم جذب شاگردان به مدارس ملی پایین بودن بیش از حد سطح تدریس به‌خصوص علوم تجربی و ریاضی در مدارس دولتی‌ست... در برخی از مدارس دولتی آن‌چنان وضع به هم ریخته است که اگر شاگردی یک ماه غیبت نماید؛ مسئولین مدرسه از آن خبردار نمی‌شوند... در صورت اطلاع هم علاقه‌ای به رسیدگی وجود ندارد و ساده‌ترین راه حل این است که یا او را زیر کتک گرفته و یا برای مدتی از مدرسه اخراج کنند... معلمان مدارس ملی با تشکیل گروهی از معلمان که بقای آنان منوط بر تداوم سیستم آموزش استعماری است ناخودآگاه به عنوان یکی از عوامل بازدارنده در تشکل و مبارزات معلمان زحمت‌کش نمودار می‌شوند...

حقوق این معلمان در بدو ورود معمولاً ساعتی ۳۰ تا ۳۵ تومان است... حداکثر درآمدشان ۵ هزار تومان خواهد بود که این پول در مقابل تورم بیش از حد نمی‌تواند تأمین‌کننده‌ی حداقل یک زندگی متوسط باشد...^۲

حق ثبت‌نام در این مدارس ۴ هزار تومان بوده است... در سال‌های اخیر برخی از مدارس ملی به بهانه‌ی خدمات جنبی مانند تشکیل کلاس‌های زبان، استخر شنا، سرویس غذا، آموزش رقص و موسیقی با بهانه‌ی استفاده از معلمان خارجی، شهریه را چندبرابر دریافت می‌کنند از جمله مدرسه‌ی کیاست که شهریه‌ی آن ۲۲ هزار تومان در سال بود"

در ادامه‌ی مقاله به این مسأله پرداخته شده که این مدارس بر خلاف تصور از کیفیت آموزش بالایی نیز برخوردار نیستند:

"... ورودی ۹۰ درصد دانش‌آموزان با معدل بالای ۱۷ است. مدارس ملی برای این‌که گرفتار دانش‌آموز کم استعداد نگردند معمولاً همگی شرط معدل دارند از جمله دبیرستان البرز با مدیریت سربازخانه‌ای، شاگردان جدید را با معدل ۱۸ تا ۲۰ آن هم با امتحان ورودی می‌پذیرد... در کنار این مدارس ملی، تعدادی آموزشگاه‌های ملی نیز مشغول به‌کارند برای کسانی که چندسال مردود شده‌اند یا به‌خاطر کار یا ارتقای شغلی نیاز به مدارک تحصیلی بالاتر دارند که این آموزشگاه‌ها نیز شهریه‌های بالایی دریافت می‌کنند..."

در ادامه‌ی مقاله به وضعیت اسفبار مدارس دولتی اشاره شده و مسأله‌ی بی‌توجهی اداره‌ی آموزش و پرورش به آن مورد نقد قرار گرفته و مقاله این‌گونه پایان یافته است:

"... خصلت سودجویی و انتفاعی از آموزش باید برداشته شود. دولت مدارس ملی را در اختیار گیرد و اداره‌ی امور مدرسه را در جهت دگرگونی کیفیت آموزش به عهده‌ی دانش‌آموز و معلم بگذارد. برای معلم، رفاه مادی کامل ایجاد کند تا بدون دغدغه‌ی خاطر و ترس از آینده، تمام کوشش خود را صرف بالا بردن کیفیت آموزش و پرورش استعدادها نماید. آموزش و پرورش در مدارس در خدمت برنامه‌های صنعتی، فنی و کشاورزی کشور قرار گیرد. فتوادلیسم آموزشی موجود را باید نابود ساخت."

کنون مستقل معلمان تهران در ۱۰ مرداد ۵۸ سمیناری با عنوان "بررسی ماهیت نقش مدارس ملی، با حضور چند صد نفر برگزار کرد. در این سمینار شعارهایی زیر بر در دیوار محل سمینار نوشته شده بود:

"با الغای مدارس خصوصی تبعیض در توزیع امکانات آموزشی را از میان بردارید" / "پیش به سوی ایجاد برابری‌های آموزشی در سراسر کشور" / "با الغای مدارس خصوصی بساط فروش علم و دانش را برچینید" / اداره محیط آموزش باید به دست شوراهای معلمان و دانش‌آموزان سپرده شود.

اولین سخنران سمینار ضمن طرح این سوال که هم اکنون آموزش و پرورش چه روش‌هایی را برای وصول به هدف‌های فرهنگی باید دنبال کند، گفت:

"اگر خواهان دگرگونی عمیق در آموزش هستیم. باید تمامی برنامه‌ها، سیستم‌ها روش‌ها و وسایل آموزشی گذشته را از نو مورد بررسی همه جانبه قرار داده و به بازسازی انقلابی آن بپردازیم. به بیان دیگر مقامات حق ندارند سال تحصیل آینده مانند سال‌های گذشته ۹ میلیون دانش آموز ما را به کلاس‌هایی بفرستند که کیفیت آموزشی آنها همان باشد که در گذشته بود. وی افزود جوهر بسیاری از نابسامانی‌های آموزشی ما را طبقاتی بودن آن تشکیل می‌دهد و سایر علل و مصایب گریبانگیر آن به مثابه حلقه‌های زنجیر با این علت مرکزی رابطه ارگانیک دارند. این گونه است که مدارس روستاها و حتا شهرهای بلوچستان، کرمان، آذربایجان و خراسان در مقایسه با مدارس نورچشمی‌های شمال شهر تهران بیغوله ای بیش نیست. نام گذاری مدارس ملی سرپوشی است برای فریب مردم."

یکی دیگر از سخنران این سمینار در صحبت‌های خود ضمن اشاره به پیش نویس قانون اساسی که شعار آموزش "یکسان" را می دهد گفت:

"این امر در این برهه از زمان بدون در هم شکسته شدن ساخت اقتصادی جامعه سرمایه داری وابسته نمی تواند نقشی در دگرگونی مسایل آموزشی داشته باشد. دولت و گروه‌هایی که خود را خدمتگزار مردم زحمتکش قلمداد می‌کنند و سنگ مستضعفین را به سینه می‌زنند باید در فکر تدوین آنچه‌ان برنامه ای باشند که یک انقلاب فرهنگی مستمر در راه نابودی نهادهای فرهنگی و امپریالیستی را به دنبال داشته باشد، آنچه‌ان انقلابی که بتواند جنبه‌های زاید و سوداگرانه ی فرهنگ گذشته را نابود کند و به جای آن فرهنگی بالنده که محور اصلی آن سازندگی انسان جامعه انقلابی باشد، جایگزین نماید.

در بخشی از قطعنامه سمینار آمده است:

- ۱- هر چه زودتر با الغای مدارس خصوصی بساط خرید و فروش علم و دانش برچیده و امکانات لازم آموزشی به طور برابر در اختیار تمام مدارس گذاشته شود.
- ۲- رایگان بودن مدارس در تمام سطوح و اجباری شدن تحصیل (حداقل تا پایان دوره ی راهنمایی) در قانون اساسی، تصریح شود.
- ۳- انتخاب از بالا و اداره مدارس از طریق مدیران انتصابی در آموزش و پرورش منسوخ گردد و اداره محیط آموزش به دست شوراهای دانش آموزان و معلمان سپرده شود.
- ۴- مساله آموزش خلق‌ها به زبان مادری در چارچوب حق خودمختاری آنها، در قانون اساسی به صراحت قید شود.
- ۵- تدوین کتاب‌های درسی بدون دخالت و نظر خواهی از معلمان و تشکل‌های فرهنگی موقوف گردد.
- ۶- تقسیم معلمان بر مبنای تراکم و احتیاج هر منطقه صورت گیرد.
- ۷- علاوه بر تغییر سیستم تربیت معلم و منظور داشتن دوره‌های بازآموزی برای کلیه معلمان، امکانات رفاهی به گونه ای در اختیار آنها قرارگیرد که ناگزیر از اضافه کاری و تن دادن به مشاغل دیگر نباشد. (آیندگان مرداد ۵۸)

فعالیت های کانون مستقل معلمان در سالهای بعد ادامه یافت اما در تندباد حوادث و رویدادهای دهه ۶۰ کانون‌های مستقل معلمان در کنار سایر کانون‌های مستقل و مردمی از صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی رانده شدند.

منابع و زیر نویس ها:

*این گزارش بر اساس اخبار مندرج در روزنامه های اطلاعات، کیهان، آیندگان، پیغام امروز و ماهنامه معلم، نشریه کانون مستقل معلمان تهران تهیه شده است.

* جامعه معلمان، تشکلی است که دبیر و یا رهبر آن محمد درخشش بود. این تشکل از سازمان دهندگان اعتصاب معلمان در ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۰ بود که طی آن دکتر خانعلی جلوی مجلس کشته شد و روز کشته شدن وی به عنوان روز معلم انتخاب شد. محمد درخشش پس از این واقعه، وزیر آموزش و پرورش شد. مجله مهرگان نشریه این تشکل در آن زمان است. ظاهراً این تشکل در سال ۵۷ هم فعال بوده است. مدت دو هفته محمد درخشش بازداشت شد که اعتراضات معلمان سبب آزادی وی شد. اسنادی از این تشکل در دسترس نویسنده نبوده است.

۱- پولی کردن مدارس همچنان در دستور کار دولت جدید بوده است. در خبری که در ۲۶ فروردین ۵۸ منتشر شده چنین آمده:

شهریه‌ی کلاس‌های شبانه ۵ هزار ریال شد. وزارت آموزش و پرورش در مورد شهریه کلاس‌های شبانه اعلام کرد چون سال تحصیلی جاری فقط چهار ماه بوده و معلمان این قبیل کلاس‌های شبانه نیز چهار ماه حق التدریس پرداخت می‌شود موافقت شده است. در سال تحصیلی جاری استثنأ از داوطلبان تحصیل در کلاس‌های شبانه پنج هزار ریال شهریه دریافت گردد و برای تأمین رفاه حال بیشتر این قبیل داوطلبان اگر قادر به پرداخت شهریه به صورت نقد نیستند پنج هزار ریال به صورت اقساط از آن‌ها دریافت می‌شود.

۲- در نامه ای که در آیندگان منتشر شده، به وضعیت معلمان و کارکنان مدارس ملی (غیردولتی) اشاره شده است: "از جانب مدیران گروه‌های فرهنگی به مستخدمین و معلمین مدارس غیردولتی حقوق‌های بسیار ناچیز پرداخت می‌شود به عنوان مثال در دبیرستاین که درس می‌دهم دفتدار مدرسه با داشتن دیپلم ماهی ۱۱۰۰ تومان و دو مستخدم هر کدام ۱۳۰۰ تومان و دیگری ۹۰۰ تومان دریافت می‌کنند. حقوق علمین ۹ ماهه پرداخت می‌شود و سه ماه تابستان حقوق ی ندارند. بعضی از معلمین با ساعتی کمتر از ۳۰ تومان در این مدرسه استثمار می‌شوند. معلمین مدرسه بیمه نیز نمی‌باشند.

